



۲۰۱۶/۰۲/۱۱



ولی احمد نوری

یادی از پوهاند سید بهاء الدین مجروح

نویسنده، شاعر و فیلسوف افغان

فردا دوازدهم فروری مصادف است با بیست و هشتمین سالروز ماتمزی شهادت فرزند صدیق وطن جناب پوهاند سید بهاء الدین مجروح. پوهاند مجروح که نقش مشعشع او در تاریخ افغانستان فروزان خواهد بود، به اثر حقیقت جویی و حقیقت گویی زندگی اش را از دست داد. او در راه وطنش قربان شد و نامش را با نام مقاومت آزادی بخش افغانستان با خون خود رقم زد. الحق که نام او در صفحات پر افتخار تاریخ مقاومت میهن ما ماندگار و جاویدان خواهد ماند.



موجودیت فرزندان فرزانه ای چون بهاء الدین مجروح، استاد خلیل الله خلیلی، استاد عبدالرحمن پژواک، دگر جنرال عبدالحکیم کتوازی، گل پاچا الفت، جنت خان غروال، عبدالاحد کرزی، عبدالرحیم چیزابی، محمد ولی خدران و تعداد دیگر که از یکطرف خار چشم تیکه داران جهادی بودند و از سوی دیگر توسط استخبارات پاکستان (آی. اس. آی) خریداری نمی شدند تا به خیانت کاری در حق افغانستان و ملت آن استخدام شوند. سرنوشت شان همین بود که در عکس دلخراش پائین مشاهده می کنید.

وجود بهاء الدین مجروح از نظر تیکه داران جهاد، (آی. اس. آی) پاکستان و سرویس استخبارات (کی. جی. بی) و حکومت آخوند های ایران قابل تحمل نبود.

مجروح شهید در آغاز سال های جهاد مقدس مردم افغانستان آژانس فرهنگی و خبری معتبری را در پیشاور پاکستان بنیاد نهاد (شخصاً با ایشان ارتباط کاری داشتم) که آهسته آهسته اعتماد تمام رسانه های خبری جهان و ژورنالیست های بین المللی را به طرف خود جلب نمود و همه جراید، مجلات و روزنامه های معتبر جهان خبر های مربوط به جنگ (افغان - شوروی) را از کانال او اخذ می کردند.

این بهاء الدین مجروح بود که برای بار نخست در راپور هایش نوشت که: «پاکستان بقای خود را در فتنای افغانستان میداند و هیچگاه از تلاش در راه ویرانی و بی ثبات ساختن کشور ما بر نمیدارد.»

او بود که به زمامداران پاکستانی هنگام ملاقاتهای رسمی اش مفهوم شعر آتی را بزبان اکادمیک انگلیسی بیان میکرد:

نهال دوستی بنشان که کام دل به بار آرد درخت دشمنی بر کن که رنج بشمار آرد
شب صحبت غنیمت دان که بعد از روزگار ما بسی گردش کند گردون بسی لیل و نهار آرد

این مجروح بود که رهبران تنظیم های پیشاور و افغان های خارج کشور را که در سطح جهاد و مقاومت مطرح بودند مستحضر می ساخت که پاکستان نه تنها به خیر و صلاح افغانستان کار نمی کند، بلکه در صدد تخریب، تجزیه و ویرانی مقاومت افغان ها افتاده و در این راه غیر اسلامی سخت مصروف است. ولی تنظیم های به اصطلاح جهادی که ادعای حراست از اسلام و کعبه را داشتند متأسفانه از کعبه شان کفر برخاست، و نه تنها به اخطار های مجروح وقعی نگذاشتند بلکه با او سر عناد و خصومت را گرفتند. آنها ندانستند که ملت از آنها انتظار دیگری داشت. بلی

چو کفر از کعبه برخیزد کجا ماند مسلمانی

این مجروح بود که از افتتاح چندین صد مدرسه بنیادگرائی و افراط آموزی و در حقیقت تعلیم دهی پسران و یتیمان مهاجرین افغان در پاکستان در راه عملیات تیروریستی، رسانه ها را با خبر ساخت. این او بود که برای نخستین بار پلان شوم پاکستان را جهت به رسمیت شناختن خط جعلی "دیورند" افشاء نمود و فریاد زد که پاکستان در صدد الحاق سرحدی افغانستان است.



بیکر خون آلود و سوراخ سوراخ شهید پوهاند بهاء الدین مجروح ساعتی بعد از سانحه شهادتش

این مجروح بود که برای بار اول خیانت کمونیستان افغان و حزب به اصلاح دیموکراتیک شان را و تجاوز عریان شوروی را به افغانستان و نتایج اسفبار آنرا به جهان و جهانیان اعلان نمود. او در ترتیب احصائیه گیری ید طولی داشت. قرار احصائیه های او در جنگ (افغان - شوروی) یک و نیم میلیون انسان افغانستان به قتل رسیده، بیش از پنجصد هزار معیوب شده، و پنج ملیون افغان به خارج و دو ملیون در داخل کشور مهاجر و آواره شده اند. این او بود که برای بار نخست از جاگزینی بیش از سه ملیون ماین ضد پرسونل در سراسر کشور خبر داد که به طور اوسط در هر روز سه نفر را به قتل می رساند. (در یک سال بیش از ۱۰۹۰ نفر)

به نظر من مهمترین چیزی که سبب قتل او شد، همه پرسی ای بود که از طرف او و همکاران جوانش در کمپ های پناهندگان پیشاور و دیگر شهر های پاکستان به وقوع پیوست. وقتی بازگشت اعلیحضرت محمد ظاهرشاه از طرف امریکا و شوروی مطرح شد و ریشه در اندام تیکه داران جهادی افتاد و هر کدام شان بازگشت پادشاه را به افغانستان تحریم کردند. حتی گلبدین و سیاف از اینهم یک گام فراتر نهادند و اعلان کردند که هرگاه محمد ظاهرشاه به افغانستان بیاید باید چشمان خود را سرمه کند و برای قربانی حاضر باشد چه ما او را مانند گوسفند قربانی، قربانی میکنیم. در اینجا بهاء الدین مجروح برای معلوم کردن آرای مردم افغانستان که در کمپ های پناهندگان تجمع کرده بودند مراجعه نمود و بعد از ماه ها فعالیت، فهرستی از آرای مردم را به نشر سپرد که در آن ۷۴ فیصد مردم طرفدار بازگشت پادشاه شان بودند و ۲۶ فیصد باقی آراء بین رؤسای تنظیم ها تقسیم شده بود که کمترین از ملا ربانی بود - یعنی ۳ فیصد و بلندترین از گلبدین بود یعنی ۶ فیصد. و همین بود که حکم اعدام او از مربع قاتلین (آی. اس. آی - کی. جی. بی - جناح های افراطی تنظیم های پیشاور و پاسداران آخذ ها) صادر شد. به قول نصیر فاروقی، مجروح با هجرت از وطن از دم تیغ کمونیستان میهن فروش و نوکران روس رهائی یافت ولی در مسلخ اسلام سیاسی زبح گردید. روحش شاد و یادش برای ابد گرامی باد. اما او مانند شیر ژبانی که ترس و خوف را نمی شناخت به فعالیتش ادامه داد و همیش این شعر محمود طرزی را زمزمه می کرد:

حیات را چه می کنم، وطن حیات من تویی برای هر سعادت، وطن برات من تویی

اگر تو رفتی از کفم، وطن ممات من تویی وطن تو کعبه منی، وطن صلوات من تویی

محبتت به جان من چو پود ها به تار ها

بدین ذریعه از افغان های اصیل خامه بدست و وطن پرست تقاضا می نمایم تا قلم بردارند و در باره این فرزند بزرگ افغانستان بنویسند.



پوهاند مجروح با پروفیسور ارمکورا ضمن مذاکره
راجع به حقوق بشر در افغانستان